



## بررسی تأثیر حکمرانی بر توزیع درآمد با تأکید بر اندیشه‌های امام علی(ع)

ابوالفضل شاه‌آبادی<sup>۱\*</sup>، سارا ساری‌گل<sup>۲</sup>

تاریخ پذیرش: ۱۳۹۳/۰۲/۱۵

تاریخ دریافت: ۱۳۹۲/۰۲/۰۵

### چکیده

در دهه‌های اخیر بهبود در توزیع درآمد، مبارزه با فقر و کاهش نابرابری یکی از اهداف مهم توسعه اقتصادی و اجتماعی و حتی از وظایف مهم دولت‌ها محسوب می‌شود. از این رو، توجه به توزیع نامتعادل درآمد و ریشه‌های پدید آمدن آن در جهت دستیابی به رشد و توسعه اقتصادی مستمر و باثبات از اهمیت ویژه‌ای برخوردار شده است. لذا مطالعه حاضر در راستای تحقق هدف عدالت اجتماعی، افزایش رفاه عمومی و حرکت به سوی توسعه اقتصادی مستمر و باثبات به ارزیابی تأثیر حکمرانی<sup>۲</sup> بر توزیع درآمد با تأکید بر اندیشه‌های امام علی(ع) می‌پردازد. زیرا حکمرانی در عصر کنونی به‌عنوان یکی از مؤلفه‌های مهم در کاهش نابرابری درآمد و فقر مطرح می‌شود. با توجه به آن که رفتارهای حکومتی امام علی(ع)، بسیار قابل تأمل و درخور اندیشه است و دوران کوتاه حکومت ایشان، مصداقی جامع و الگویی ماندگار از حکومت حق و عدل بود از گفتارهای ارزشمند ایشان در مطالعه خود بهره برده‌ایم. نتایج مطالعه حاکی از آنست که حکومت امام علی(ع) به‌رغم وجود دشواری‌های داخلی و مانع تراشی‌های مخالفان و دشمنان، از مسیر عدالت و اهداف اسلامی خارج نشد. از این رو کشورها می‌توانند با بهره‌گیری از اندیشه‌های ارزشمند امام علی(ع) در حکومت و رهبری به اهداف عالی اسلام که همانا اجرای حق و بسط عدالت اجتماعی و اقتصادی در جامعه بشری است، دست یابند.

**کلید واژه‌ها:** حکمرانی، توزیع درآمد، اندیشه‌های امام علی(ع)

۱. دانشیار گروه اقتصاد دانشگاه بوعلی سینا

۲. دانشجوی دکتری علوم اقتصادی دانشگاه بوعلی سینا

\*: نویسنده مسئول

## ۱. مقدمه

امروزه توزیع نابرابر درآمد در جوامع، به‌عنوان یکی از پدیده‌های زیانبار شناخته می‌شود و تمامی جوامع مبارزه با فقر و کاهش نابرابری درآمد را در رأس همه‌ی اهداف عمده استراتژی توسعه‌ی اقتصادی و اجتماعی خود قرار داده‌اند. (تودارو، ۱۳۷۸: ۱۶۳) معتقد است «متأسفانه در حال حاضر اقتصاددانان هیچ‌گونه درک روشنی از عوامل مشخص که در تغییرات توزیع درآمد کشورها در طول زمان اثر می‌گذارند، ندارند و لذا بیشتر تحلیل‌های اقتصادی به نحو عجیبی در خصوص توزیع درآمدها ساکت است». از این‌رو ارزیابی و شناسایی عوامل تأثیرگذار بر توزیع نامتعادل درآمد مورد توجه اقتصاددانان قرار گرفته است. شایان ذکر است، اینکه چه کسی بر مردم حکومت می‌کند؟ تا چه اندازه حاکم در برقراری عدالت اجتماعی اهتمام می‌ورزد؟ مردم در برابر حاکم چه عکس‌العمل و برخوردی از خود نشان می‌دهند؟ حاکم و مردم تا چه میزان به انجام احکام اسلامی پایبند هستند؟ و پاسخ به مواردی از این قبیل سؤال‌های مذکور، از جمله مسائلی است که در شناسایی عوامل مؤثر بر توزیع نابرابر درآمد و فقر کمک شایانی می‌کند. زیرا به تعبیری دیگر، شرایط اجتماعی - سیاسی حاکم بر جامعه نیز از عوامل مهمی است که باعث توزیع نامتعادل درآمد و بروز فقر در جامعه می‌شود. به‌علاوه یکی از دلایلی که سبب گردید بانک جهانی حکمرانی یعنی شیوه مدیریت و اداره کشور یا رابطه‌ی شهروندان با حکومت‌کنندگان را موضوع کلیدی توسعه معرفی کند، افزایش شدید فقر، نابرابری و تورم در اواخر دهه‌ی ۱۹۸۰ بود؛ لذا امروزه حکمرانی خوب به‌عنوان ضرورتی تردیدناپذیر برای تحقق برنامه‌های توسعه شناخته می‌شود. رشد ظرفیت‌های کمی و کیفی تولید، اشتغال - زایی پایدار، دستیابی به قدرت خرید و استفاده از خدمات رفاه عمومی و در نهایت توزیع مطلوب درآمد در توسعه اقتصادی به‌وجود می‌آید. سازمان ملل متحد نیز، اولویت‌دهی به مسائل فقر، افزایش آگاهی برای تأمین حقوق زنان، حفاظت و تجدید محیط‌زیست، ایجاد فرصت‌های شغلی پایدار و دیگر مسائل زیستی و رفاهی، افزایش آگاهی برای توسعه و تأمین حقوق زنان را از نتایج حکمرانی خوب می‌داند.

همچنین امام علی(ع) نیز عدالت را به‌عنوان محوری‌ترین اصل برای قبول حکومت معرفی می‌کند و آن را برای هر حکومتی لازم می‌داند و اقامه و احیای حق و دفع باطل، از بزرگترین آرمان‌های حکومت از دید این امام بزرگوار است. زیرا در سایه‌ی همین عدل است که اهداف اصلی دیگر همچون توزیع متعادل درآمد، رفع فقر و نابرابری، رشد و توسعه اقتصادی و... نیز سامان می‌یابد. امام علی(ع) در این زمینه سخنان ارزشمند زیادی دارند، لذا در این مطالعه برای اختصار به پاره‌ای از مطالب ایشان اشاره می‌شود، به عنوان نمونه امام(ع) در خطبه‌ی ۳ نهج‌البلاغه (خطبه شش‌شقیه)، فلسفه‌ی حکومت را چنین بیان می‌کند: «سوگند به خدایی که دانه را شکافت و جان را آفرید، اگر حضور فراوان بیعت‌کنندگان نبود، و یاران حجت را بر من تمام نمی‌کردند، و اگر خداوند از علماء عهد و پیمان نگرفته بود که در برابر شکم‌بارگی ستمگران، و گرسنگی مظلومان، سکوت نکنند، مهار شتر خلافت را بر کوهان آن انداخته، رهایش می‌ساختم، آخر خلافت را به کاسه اول آن سیراب می‌کردم، آن‌گاه می‌دیدید که دنیای شما نزد من از آب بینی بزغاله‌ای بی‌ارزش‌تر است». لذا از یک‌سو از آنجایی که به‌رغم گذر قرن‌ها، هر جا سخن از عدالت به میان می‌آید

تنها حکومت و عدالت امام علی(ع) در ذهن‌ها تداعی می‌شود و از سویی دیگر چون کشورهای اسلامی با وجود داشتن منابع و پتانسیل‌های قدرتمند اقتصادی همانند ذخایر عظیم انرژی، تنوع امکانات، قلمرو جغرافیایی وسیع و جمعیتی بالا، دسترسی و سیطره بر تنگه‌ها و آبراه‌های راهبردی جهان و... تاکنون نتوانسته‌اند توزیع نابرابر درآمد و فقر را برطرف کنند، به‌منظور ارائه نکات سیاستی مناسب برای سیاست-گذاران و تصمیم‌گیران اقتصادی کشورها به بررسی و تجزیه و تحلیل تأثیر حکمرانی بر توزیع درآمد با تأکید بر اندیشه‌های امام علی(ع) می‌پردازیم.

## ۲. پیشینه‌ی پژوهش

تئوری‌های توسعه تا اوایل دهه‌ی ۱۹۹۰ بر رشد اقتصادی تأکید می‌کردند و حتی برای رسیدن به رشد بیشتر، نابرابری بیشتر درآمدها ضروری قلمداد می‌شد؛ اما امروزه عقیده‌ی بسیاری از اقتصاددانان بر این است که لازمه رشد اقتصادی (حتی در مرحله‌ی اولیه آن) توزیع نابرابر درآمدها و امکانات نمی‌باشد بلکه برعکس شرط تسریع در رشد اقتصادی کشورهای در حال توسعه، توزیع عادلانه درآمدها و امکانات<sup>۱</sup> است. از این‌رو اقتصاددانان توسعه‌ی شکاف عظیم درآمدی بین طبقات پایین و بالای جامعه در کشورهای توسعه‌نیافته را نه تنها به‌عنوان یک مزیت اقتصادی نمی‌دانند بلکه آن را مانعی بر سر راه رشد پایدار و توسعه اقتصادی ذکر می‌کنند. تودارو (۱۳۷۸) معتقد است: «این نوع استراتژی رشد در واقعیت چیزی بیش از افسانه‌ای فرصت‌طلبانه به‌منظور ابقای طبقات ذی‌نفع و حفظ موجودی اقتصادی و سیاسی طبقات ممتاز کشورهای در حال توسعه نیست که اغلب به زیان اکثریت عظیم جمعیت این کشورها است». همچنین وی بیان می‌دارد «نظریه‌پردازی که اجتناب‌ناپذیر بودن فرایند کوزنتس را مطرح می‌کنند به ویژه رهبران سیاسی در کشورهایی که دارای نابرابری زیاد و فزاینده هستند، اغلب به‌دنبال توجیحات ساده‌ای می‌گردند که در پس آن توجیحات بتوانند قدم‌های بلندپروازانه اقتصادی و یا شکست‌های سیاسی خود را پنهان کنند». لذا می‌توان بیان داشت، در عصر حاضر سیاست‌های تسریع رشد اقتصادی که بر مبنای توزیع نامتعادل درآمد باشد در هیچ کجا موضوعیت ندارد. لذا برای کاهش توزیع نامتعادل درآمد، می‌بایست عوامل تعیین‌کننده‌ی آن را شناخت. به همین سبب بررسی عواملی که بر توزیع نامتعادل درآمد تأثیر می‌گذارند در محافل علمی و سیاست‌گذاری اهمیت بسیاری پیدا نمود. همچنین آنجلس<sup>۲</sup> (۲۰۱۰) بیان می‌کند دولت‌ها بایست به‌دلیل تحولات اقتصاد جهانی و توصیه‌های مکتب اقتصاد نهادگرایی جدید و ادغام اقتصادی کشورها در سال‌های اخیر، به‌واسطه‌ی ایجاد، حمایت و تقویت نهادهای سیاسی-اقتصادی و بهبود حکمرانی در جامعه به هدایت و تخصیص صحیح منابع، سرمایه‌گذاران، کارآفرینان و به‌طور کلی

۱. البته لازم به ذکر است که با توجه به عدم یکسان بودن فرصت‌ها و استعدادها و پذیرش حقوق مالکیت خصوصی، صحبت از توزیع درآمد کاملاً یکسان موضوعیت ندارد. روشن است که چنین امری در هیچ اقتصادی تاکنون محقق نشده است، اما کم بودن فاصله طبقاتی، ویژگی یک اقتصاد سالم است، اقتصادی که فقط عده‌ی خاصی قادر هستند در آن درآمد کسب کنند و عده قابل توجهی هم در شرایط نامساعد به سر می‌برند قطعاً یک اقتصاد سالم نیست.

عوامل اقتصادی بپردازند و بسترهای دستیابی به رشد و توسعه باثبات و پایدار را فراهم سازند. بنابراین شاید بتوان تحلیل‌های مبتنی بر حکمرانی خوب را به‌عنوان یکی از دلایل توسعه‌یافتگی و بهبود توزیع درآمد کشورها دانست. زیرا در سال‌های اخیر ثابت شده که حکمرانی خوب با به رسمیت شناختن حق نظارت عمومی، برخورداری از شفافیت مطلوب در فرایند قانون‌گذاری و نیز عملکرد دولت، وجود اصل شایسته‌سالاری در انتخاب کارگزاران، وجود نظام کارآمد و قابل اعتماد در نظام اداری که اراده دولت از طریق آن اعمال می‌شود، پایبندی دولت به تعهدات خود، ثبات در برنامه‌ها، سیاست‌ها و اهداف طراحی شده توسط دولت و... در گرو وجود حکمرانی خوب در کشورهاست. لذا توزیع متعادل درآمد و کاهش فقر در سایه حکمرانی خوب و یا حکومت دموکراتیک ایجاد می‌شود. براساس مطالعه‌ی شفیقی و حق<sup>۱</sup> (۲۰۰۶) نیز برخی از شاخص‌های حکمرانی خوب، رفاه را در جامعه بهبود می‌بخشند؛ اما اثر منفی بر نرخ رشد تولید ناخالص داخلی دارند. همچنین آنها بیان می‌دارند بین نرخ رشد تولید و بهبود توزیع درآمد ارتباط مثبتی وجود دارد و هر گاه نظم و قانون و ثبات سیاسی در اقتصاد وجود داشته باشد فرصت‌های سرمایه‌گذاری داخلی و خارجی افزایش می‌یابد، آن‌گاه فرصت‌های شغلی ایجاد شده به بهبود نرخ رشد تولید کمک می‌کنند. از این‌رو ثبات سیاسی و اثربخشی دولت اثر معناداری بر نرخ رشد تولید دارند و نابرابری درآمد در اقتصاد را بهبود می‌بخشند. علاوه بر این شاخص‌های اقتصادی که نشانگر شرایط حکمرانی هستند از قبیل هزینه‌های دولت در بهداشت و درمان، آموزش و پرورش اثر مثبتی بر نرخ رشد تولید و توزیع درآمد دارند. علاوه بر آن، چانگ و گرادستین<sup>۲</sup> (۲۰۰۴) در مطالعه‌ای در مورد تأثیر نهادهای سیاسی و شاخص‌های حکمرانی بر نابرابری درآمد در ۱۲۱ کشور صنعتی و در حال توسعه نشان می‌دهند بهبود شاخص‌های حکمرانی به کاهش نابرابری درآمد منجر می‌شود. نتایج مطالعه وراودی<sup>۳</sup> (۲۰۰۵) نیز حاکی از آنست که ارتباط معناداری بین نابرابری درآمد و سیستم‌های انتخاباتی وجود دارد. همچنین مطالعه‌ی شن و یائو<sup>۴</sup> (۲۰۰۸) بیانگر آنست که انتخابات ضریب جینی را کاهش داده و همچنین، انتخابات سهم درآمدی افراد فقیر در جامعه را افزایش می‌دهد. برین و پنالوسا<sup>۵</sup> (۱۹۹۹) به این نتیجه رسیده‌اند که بی‌ثباتی بیشتر در اقتصاد، ضریب جینی و سهم ۲۰ درصد بالایی از درآمد را افزایش و سهم بقیه ۲۰ درصدها را کاهش می‌دهد. مطالعه داوودی و ترمه<sup>۶</sup> (۱۹۹۸) مؤید آنست که فساد از راه‌هایی از قبیل کاهش رشد، مالیات‌های تنازلی، انجام ناکارآمدتر طرح‌های اجتماعی، دسترسی نابرابر به آموزش، انحرافات سیاستی به نفع نابرابری در تملک دارایی، کاهش هزینه‌های اجتماعی و افزایش مخاطرات سرمایه‌گذاری برای فقرا، نابرابری درآمد و فقر را افزایش می‌دهد. از این‌رو براساس مطالعات صورت گرفته می‌توان بیان داشت در دنیای کنونی، حکمرانی به‌عنوان عاملی مؤثر در کاهش توزیع نابرابر درآمد شناخته می‌شود.

1. Shafique and Haq
2. Chong and Gradstein
3. Verardi
4. Shen and Yao
5. Breen and Penalosa
6. Davoodi and Terme

همچنین باید اذعان نمود، در مکتب امام علی(ع)، همه‌ی افراد بشر حق دارند از یک زندگی شرافتمندانه‌ای برخوردار باشند. اما به چند دلیل ممکن است در جوامع اختلافات طبقاتی به وجود بیاید و روزبه‌روز شکاف غنی از فقیر بیشتر شود، این موضوع یا به دلیل اینست که اغنیاء به وظیفه خود عمل نمی‌کنند، و یا به جهت اینست که فقرا، تمام تلاش خود را در تحصیل زندگی آبرومندانه انجام نمی‌دهند و یا اینکه زمامداران مردم شایسته نیستند و در تدبیر اداره امور و طرح پروژه‌های صحیح و برقراری عدالت اجتماعی عاجزند. امام در روایات متعددی فقر را مذمت می‌کنند از جمله که امام(ع) در روایتی فقر را مرگی بزرگ می‌داند «فقر، مرگ بزرگ است» (نهج البلاغه، حکمت ۱۶۳). و یا در جایی دیگر خطاب به فرزندش محمد حنفیه می‌فرماید: «فرزندم، من از فقر برای تو می‌ترسم از آن به خدا پناه ببر، زیرا فقر مایه نقصان دین، سرگردانی عقل و باعث دشمنی و بدبینی می‌شود» (نهج البلاغه، حکمت ۳۱۹) و ...

به جرأت می‌توان گفت یکی از دغدغه‌های اصلی امام(ع) نیز در دوران کوتاه حکومت‌شان رفع فقر و نابرابری از جامعه بوده است. به طوری که در نامه‌ای به مردم مصر می‌نویسد: «به خدا سوگند اگر تنها با دشمنان روبه‌رو شوم، در حالی که آنان تمام روی زمین را پر کرده باشند، نه باکی داشته، و نه می‌هراسم. من به گمراهی آنان و هدایت خود که بر آن استوارم، آگاهم، و از طرف پروردگارم به یقین رسیده‌ام، و همانا من برای ملاقات پروردگار مشتاق، و به پاداش او امیدوارم. لکن از این اندوهناکم که بی‌خردان، و تبیهکاران این امت، حکومت را به دست آورند، آن‌گاه مال خدا را دست به دست بگردانند، و بندگان او را به بردگی کشند، با نیکوکاران در جنگ، و با فاسقان همراه باشند، زیرا از آنان کسی در میان شماست که شراب نوشید و حد بر او جاری شد، و کسی که اسلام را نپذیرفت اما به ناحق بخشش‌هایی به او عطا گردید» (نهج البلاغه، نامه ۶۲). همچنین در نامه‌ای به اشعث ابن قیس فرماندار آذربایجان، (این نامه پس از جنگ جمل در شعبان سال ۳۶ هجری در شهر کوفه نوشته شد) می‌فرماید: «همانا پست فرمانداری برای تو وسیله آب و نان نبوده، بلکه امانتی در گردن تو است، باید از فرمانده و امام خود اطاعت کنی، تو حق نداری نسبت به رعیت استبدادی ورزی، و بدون دستور به کار مهمی اقدام نمایی، در دست تو اموالی از ثروت‌های خدای بزرگ و عزیز است، و تو خزانه‌دار آنی تا به من بسپاری، امیدوارم برای تو بدترین زمامدار نباشم» (نهج البلاغه، نامه ۵). از بیانات امام چنین برداشت می‌شود که مسأله‌ی توزیع درآمد از چنان اهمیتی برخوردار است که ایشان یکی از دلایل پذیرش حکومت‌شان را بازپس‌گیری حق فقرا و ضعیفان می‌دانند.

### ۳. تبیین توزیع درآمد از دیدگاه اقتصاددانان و امام علی(ع)

تردیدی نیست امروزه وضعیت توزیع درآمد در هر جامعه‌ای علاوه بر جنبه‌های اقتصادی، در ابعاد سیاسی و اجتماعی نیز حائز اهمیت است و هر رویکرد اقتصادی به توزیع درآمد، ناگزیر پیامدهای سیاسی و اجتماعی نیز خواهد داشت. از این‌رو امروزه توزیع درآمد چه در سطح جهانی، چه در مقیاس بین کشورها و چه در سطح بین منطقه‌ای مورد توجه ویژه‌ای قرار دارد. این موضوع در سال‌های اخیر جایگاهی ویژه در بحث-

های توسعه اقتصادی به خود اختصاص داده است، به همین خاطر، اهمیت ایجاد توزیع درآمد متعادل یکی از هدف‌های مهم دولت‌ها در سیاست‌گذاری‌های کلان اقتصادی می‌باشد (حسینی و نجفی، ۱۳۸۸). از این‌رو بررسی عوامل تعیین‌کننده‌ی توزیع نامتعادل درآمد ضروریست. به نظر می‌رسد یکی از مهم‌ترین عوامل تعیین‌کننده توزیع متعادل درآمد شرایط حاکم بر اجتماع و شرایط حکمرانی آنها می‌باشد. زیرا در دهه‌های اخیر موضوع حکمرانی خوب، به‌عنوان فرصتی برای ارتقای فرآیند توسعه‌یافتگی مطرح شده است و نهادهای بین‌المللی نظیر بانک جهانی و صندوق بین‌المللی پول همگی بر این عقیده‌اند که حکمرانی محیط و بسترهای لازم را برای دستیابی به توسعه پایدار فراهم می‌سازد که در آن بر کاهش فقر، ایجاد شغل و رفاه پایدار، تأکید می‌گردد. چرا که توزیع متعادل درآمد، فرصت اشتغال‌زایی و افزایش سهم طبقه متوسط جامعه از تولید ناخالص داخلی به‌واسطه‌ی ایجاد فرصت برای جذب سرمایه‌گذاری داخلی و خارجی، کمک به ایجاد فضای امن اقتصادی (امنیت اقتصادی)، ایجاد فضای رقابتی، افزایش سرمایه انسانی، تقویت سرمایه اجتماعی، کاهش فعالیت‌های تصدی‌گرایانه و انحصارطلبی، استفاده بهینه از منابع موجود، بهبود محیط کسب‌وکار و... به‌وجود می‌آید. از این‌رو، کشورها با هر سطح از توسعه‌یافتگی به توزیع متعادل درآمد دست نخواهند یافت، مگر اینکه حکمرانی خوب را تجربه نمایند. بی‌تردید، کشوری که از وضعیت حکمرانی مناسبی برخوردار نباشد، توفیق کمتری در تحقق اهداف مذکور دارد.

همچنین باید اذعان نمود، از نظر امام علی(ع)، دستیابی به رفاه عمومی جز از طریق توزیع عادلانه ثروت‌ها و درآمدها امکان‌پذیر نیست که این امر را یکی از وظایف و اهداف خطیر حاکمان بر می‌شمارند. به گونه‌ای که در یکی از نامه‌هایی که امام به مالک‌اشتر نخعی نوشته، آمده است: «سپس خدا را! خدا را در خصوص طبقات پایین و محروم جامعه، که هیچ چاره‌ای ندارند، و عبارتند از: زمین‌گیران، نیازمندان، گرفتاران، دردمندان. همانا در این طبقه محروم گروهی خویشتن‌داری کرده، و گروهی به گدایی دست نیاز بر می‌دارند، پس برای خدا پاسدار حقی باش که خداوند برای این طبقه معین فرموده است: بخشی از بیت‌المال، و بخشی از غله‌های زمین‌های غنیمتی اسلام را در هر شهری به طبقات پایین اختصاص ده، زیرا برای دورترین مسلمانان همانند نزدیک‌ترین آنان سهمی مساوی وجود دارد و تو مسئول رعایت آن می‌باشی. مبدا سر مستی حکومت تو را از رسیدگی به آنان باز دارد، که هرگز انجام کارهای فراوان و مهم عذری برای ترک مسئولیت‌های کوچک‌تر نخواهد بود. همواره در فکر مشکلات آنان باش، و از آنان روی بر مگردان، به‌ویژه امور کسانی را از آنان بیشتر رسیدگی کن که از کوچکی به چشم نمی‌آیند و دیگران آنان را کوچک می‌شمارند و کمتر به تو دسترسی دارند. برای این گروه، از افراد مورد اطمینان خود که خدا ترس و فروتنند فردی را انتخاب کن، تا پیرامونشان تحقیق و مسائل آنان را به تو گزارش کنند. سپس در رفع مشکلاتشان به‌گونه‌ای عمل کن که در پیشگاه خدا عذری داشته باشی، زیرا این گروه در میان رعیت بیشتر از دیگران به عدالت نیازمندند، و حق آنان را به‌گونه‌ای بپرداز که در نزد خدا معذور باشی، از یتیمان خردسال، و پیران سالخورده که راه چاره‌ای ندارند. دست نیاز بر نمی‌دارند، پیوسته دلجویی کن که مسئولیتی سنگین بر دوش زمامداران است...» (نهج البلاغه، نامه‌ی ۵۳). در این کلام، امام علی(ع) حق

اقتصادی نیازمندان و محرومان را حق الهی می‌داند و به کارگزاران خود گوشزد می‌کند که حق آنها را رعایت نمایند و این تأکیدات فراوان بیانگر آنست که مراعات این حق از جمله وظایف حکومت اسلامی است. نکته‌ی حائز اهمیت در این نامه این است که حاکمان جامعه براساس وظیفه الهی خویش می‌بایست توزیع درآمد را به‌گونه‌ای عادلانه بین مردم تخصیص دهند تا در پرتو آن عدالت اقتصادی<sup>۱</sup> برقرار شود. زیرا از منظر امام علی(ع) برقراری عدالت در جامعه به‌ویژه برقراری عدالت اقتصادی که به موضوع توزیع درآمد و کاهش فقر بر می‌گردد، کارایی و رفاه را افزایش می‌دهد و در این زمینه از هیچ کوششی فروگذار نمی‌کردند. همان‌طور که امام علی(ع) در جایی دیگر در این باره می‌فرماید: «به خدا سوگند، بیت‌المال تاراج شده را هر کجا که بیابم به صاحبان اصلی آن باز می‌گردانم، گر چه با آن ازدواج کرده، یا کنیزانی خریده باشند، زیرا در عدالت گشایش برای عموم است، و آن کس که عدالت بر او گران آید، تحمل ستم برای او سخت‌تر است» (نهج‌البلاغه، خطبه‌ی ۱۵). با تأمل در سخنان امام می‌توان گفت، با تحقق عدالت گشایش در امور پیش می‌آید. از این‌رو امام علی(ع) پس از قبول حاکمیت، سیاست‌های قاطع و سرسختانه‌ای را در امور مالی و برقراری عدالت در پیش گرفتند و با اینکه به امام گفتند، مردم به دنیا دل بسته‌اند، معاویه با هدایا و پول‌های فراوان آنها را جذب می‌کند شما هم از اموال عمومی به اشراف عرب و بزرگان قریش ببخش و از تقسیم مساوی بیت‌المال دست بردار تا به تو گرایش پیدا کنند امام در جواب آنها فرمودند: «آیا به من دستور می‌دهید برای پیروزی خود، از جور و ستم درباره‌ی امت اسلامی که بر آنها ولایت دارم، استفاده کنم. به خدا سوگند، تا عمر دارم، و شب و روز برقرار است، و ستارگان از پی هم طلوع و غروب می‌کنند، هرگز چنین کاری نخواهم کرد. اگر این اموال از خودم بود به‌گونه‌ای مساوی در میان مردم تقسیم می‌کردم تا چه رسد که جزو اموال خداست. آگاه باشید بخشیدن مال به آنها که استحقاق ندارند، زیاده‌روی و اسراف است، ممکن است در دنیا مقام بخشنده آن را بالا برد، اما در آخرت پست خواهد کرد، در میان مردم ممکن است گرمی‌اش بدارند، اما در پیشگاه خدا خوار و ذلیل است» (نهج‌البلاغه، خطبه‌ی ۱۲۶). با تأملی دقیق در سخنان گوهریار امام علی(ع) درمی‌یابیم، رعایت عدالت به‌ویژه عدالت اقتصادی یکی از حقوقی است که مردم در حکومت اسلامی دارند. لذا توجه به این نکته نیز حائز اهمیت است که مفاهیمی همانند توزیع عادلانه درآمد، تأمین رفاه نسبی اقتصادی و رفع فقر از مصادیق برقراری عدالت اقتصادی در جامعه اسلامی می‌باشد. از این‌رو بدیهی است، برقراری عدالت اقتصادی متضمن توزیع عادلانه درآمد، رفع فقر و کمتر شدن فاصله طبقاتی میان اقشار جامعه می‌باشد.

۱. البته عدالت از نظر امام علی(ع) بدین معنا نیست که با همه افراد و همه چیز یکسان برخورد شود که این امر حتی در پاره‌ای از موارد خود بی‌عدالتی قلمداد می‌شود. بلکه معنای اصل عدالت در یک حکومت آن است که براساس صلاحیت‌ها و استحقاق، بایستی هر چیز در جای مناسب خود قرار گیرد.

#### ۴. تبیین شاخص‌های حکمرانی از دیدگاه اقتصاددانان و امام علی(ع)

موضوع محوری حکمرانی خوب چگونگی دست یافتن به حکومتی است که بتواند زمینه‌ساز توسعه اقتصادی مردم سالار و برابر خواهانه باشد (میدری و خیرخواهان، ۱۳۸۳: ۲۵۹). بانک جهانی حکمرانی خوب را براساس شاخص‌های حق اظهارنظر و پاسخگویی<sup>۱</sup>، ثبات سیاسی<sup>۲</sup>، اثربخشی دولت<sup>۳</sup>، کیفیت قوانین و مقررات<sup>۴</sup>، حاکمیت قانون<sup>۵</sup> و کنترل فساد<sup>۶</sup> تعریف می‌کند. امروزه حکمرانی خوب در تمامی کشورها به‌عنوان عاملی مؤثر در توزیع مطلوب درآمد و کاهش فقر به‌شمار می‌رود. زیرا حکمرانی خوب باعث بهبود توزیع درآمد و برابری فرصت‌ها می‌شود. در سال‌های اخیر ثابت شده که حکمرانی خوب با کاهش مرگ‌ومیر و افزایش نرخ باسوادی و درآمد سرانه بسترهای لازم را برای کاهش سریع نابرابری درآمد فراهم می‌کند. اهمیت این موضوع از آنجا آشکار می‌شود یک حکومت توانمند با نهادهای دولتی شایسته، رشد درآمدها، افزایش ثروت ملی و دستاوردهای اجتماعی ارتباط مستقیمی دارد. وجود نهادهای دولتی کارآمد، درست‌کار و مبتنی بر شایسته‌سالاری، قوانین و مقررات ساده و روشن، وجود منصفانه حاکمیت قانون، عدم تصرف سیاست‌ها و چهارچوب‌های قانونی توسط گروه‌های ذی‌نفوذ، وجود صدای مستقل جامعه مدنی در رسانه‌های گروهی که پاسخگویی دولت را ارتقا می‌دهد، باعث می‌شود درآمدها، سرمایه‌گذاری‌های و رشد افزایش یابند و که در نهایت تمامی این موارد به بهبود توزیع درآمد کشورها می‌شود.

باید خاطر نشان ساخت، امام علی(ع) نیز در نهج‌البلاغه با درایت تمام در مورد موضوع حکومت و حاکم و همچنین اهداف و مقاصد عالیّه آن سخن گفته‌اند که از این رهگذر گوی سبقت را از میان اندیشمندان سیاسی ربوده‌اند. با تفحص و تعمق در سیره‌ی عملی و نظری امام می‌توان بیان داشت مهم‌ترین پایه و مبنای حکومت امام(ع) اجرای عدالت است. به‌طوری‌که ابن‌عباس در زمان خلافت امام علی(ع) بر آن حضرت وارد شد در حالی که امام(ع) با دست خودش کفش کهنه خویش را پینه می‌زد از ابن‌عباس پرسید؛ قیمت این کفش چقدر است؟ ابن‌عباس گفت ارزشی ندارد، امام(ع) فرمود ارزش همین لنگه کفش کهنه در نظر من از حکومت و امارت بر شما بیشتر است جز اینکه به‌وسیله آن عدالت را پیاده کرده و حقی را به صاحبش برسانم یا باطلی را از میان بردارم (نهج‌البلاغه، خطبه‌ی ۳۳). امام علی(ع) یکی از وظایف مهم حاکمان و زمامداران را در راستای تحقق عدالت اجتماعی در بعد اقتصادی، توجه ویژه به فقرا و مساکین می‌داند. این وظیفه از دید امام به اندازه‌ای از اهمیت برخوردار است که این موضوع را بارها به کارگزاران خود گوشزد می‌کنند. لذا از اینجا می‌توان به اهمیت حکومت در دیدگاه مکتب اسلام به‌عنوان مهم‌ترین ابزار برای نیل جامعه به کمال و ترقی پی برد. حال در ادامه با توجه به اهمیت حکومت در ایجاد توزیع

1. Voice and Accountability
2. Political Stability
3. Government Effectiveness
4. Regulatory Quality
5. Rule of Law
6. Control of Corruption



متعادل درآمد و رفع فقر و نابرابری به بررسی شاخص‌های شش‌گانه حکمرانی در کشورهای منتخب اسلامی می‌پردازیم:

#### ۱-۴. حق اظهار نظر و پاسخگویی

باید اذعان داشت آزادی‌های قانونی و انتشار آزاد اطلاعات که مصادیقی از وجود حق اظهار نظر و پاسخگویی هستند، موجب تقویت آگاهی‌های عمومی و شفافیت اقتصادی و اجتماعی می‌شوند. از سوی دیگر وجود نهادهای جامعه مدنی مثل انجمن‌های صنفی، اتحادیه‌ها، احزاب و انتخابات آزاد و سالم به مردم یک جامعه قدرت می‌بخشد تا دولت‌ها را انتخاب، کنترل و برکنار کنند. طبیعی است که در چنین شرایطی قدرت شهروندان و استقلال رسانه‌ها نقش مهمی در کنترل و زیر نظر گرفتن صاحبان قدرت و پاسخگو نگاه داشتن آنها در برابر اقدامات‌شان ایفا خواهد کرد. از این‌رو خطای سیاست‌گذاران تحت کنترل اجتماعی قرار گرفته و کاهش می‌یابد. در چنین شرایطی صاحبان کسب‌وکار از بینش و قدرت لازم برای نقد سیاست‌های اقتصادی نادرست دولت و مقابله با تغییرات نابه‌جا در قوانین برخوردار هستند. حال آن‌که در صورت نبود سازوکارهای نظارتی، شفافیت قوانین، مقررات و سیاست‌های دولت کاهش می‌یابد. این امر هزینه‌های کسب‌وکار را افزایش داده و از این رهگذر مانع توسعه کسب‌وکار، سرمایه‌گذاری و رشد اقتصادی می‌شود (برادران، ۱۳۸۶: ۳۶۴). بی‌شک این امر نیز به نوبه‌ی خود باعث بدتر شدن توزیع درآمد می‌گردد. از منظر امام علی(ع)، رابطه‌ی حاکم با مردم در حکومت اسلامی بایستی بسیار دوستانه و شرافتمندانه باشد و به این مسأله اهمیت زیادی می‌دادند. توصیه‌های مستمر ایشان به کارگزاران اقتصادی مؤید همین مطلب است و از آن جمله ایشان در عهدنامه‌ی خود به مالک‌اشتر چنین می‌نویسد: «پس بخشی از وقت خود را به کسانی اختصاص ده که به تو نیاز دارند، تا شخصاً به امور آنان رسیدگی کنی، و در مجلس عمومی با آنان بنشین و در برابر خدایی که تو را آفریده فروتن باش، و سربازان و یاران و نگهبانان خود را از سر راهشان دور کن تا سخنگوی آنان بدون اضطراب در سخن گفتن با تو گفتگو کند، من از رسول خدا(ص) شنیدم که می‌فرمود: ملتی که حق ناتوانان را از زورمندان، بی‌اضطراب و بهانه‌ای باز نستانند، رستگار نخواهد شد پس درستی و سخنان ناهموار آنان را بر خود هموار کن، و تنگ‌خویی و خودبزرگ‌بینی را از خود دور ساز تا خدا درهای رحمت خود را به روی تو بگشاید، و تو را پاداش اطاعت ببخشد، آنچه به مردم می‌بخشی بر تو گوارا باشد، و اگر چیزی را از کسی باز می‌داری با مهربانی و پوزش خواهی همراه باشد» (نهج‌البلاغه، نامه‌ی ۵۳). لذا مردم باید بتوانند بدون هیچ‌گونه مانعی با حاکمان ملاقات کنند و مشکلات و نیازهای خود را با وی در میان بگذارند. همچنین در قسمتی دیگر از نامه برای مالک‌اشتر می‌نویسد: «مبادا به‌طور طولانی خود را از دید مردم پنهان کنی که رو نشان ندادن زمامداران حکایت از نامهربانی و تنگ‌نظری و ناآگاهی در کارها می‌کند و این‌رو نشان ندادن زمامداران باعث می‌شود که ایشان از آنچه بر مردم می‌گذرد بی‌اطلاع بمانند. در نتیجه کار بزرگ نزدشان کم اهمیت و کوچک و کار کوچک برایشان بزرگ جلوه کند و همچنین خوبی به شکل بدی و بدی به‌صورت خوبی درآید و حق به باطل و غلط آمیخته گردد» (نهج‌البلاغه، نامه‌ی ۵۳). چنان‌که از کلام امام(ع) بر می‌آید

آنست که حاکم با دوری کردن از مردم نمی‌تواند مشکلات حقیقی آنان را تشخیص دهد و تصمیمات صحیحی را اتخاذ نماید. در حکومت آن حضرت، افکار مردم محترم است و حکام باید در امور کشور با مردم مشورت کرده از آرا و نظرهای آنان استفاده کنند، چرا که مردم حق دارند در سرنوشت خود دخالت کنند و در امورات تصمیم بگیرند.

#### ۲-۴. ثبات سیاسی

ثبات سیاسی مفهیمی همچون ناآرامی‌های اجتماعی، کودتا، آشوب‌های داخلی، تنش‌های قومی و محلی، ترور و اعدام‌های سیاسی و... را در بر می‌گیرد. فقدان ثبات سیاسی در کشورها، از یک‌سو به دلیل افزایش ریسک و نااطمینانی در فضای اقتصادی به بی‌انگیزگی فعالین اقتصادی برای انجام فعالیت‌های تولیدی منجر می‌شود. همچنین کاهش سرمایه‌گذاری‌های داخلی و خارجی و به تبع آن کاهش تولید ناخالص داخلی و درآمد سرانه و توزیع نابرابر درآمد از پیامدهای آن است؛ از سوی دیگر می‌توان بیان داشت، دولت مجبور است برای مقابله با ناآرامی‌های داخلی و خارجی بخش قابل توجهی از ثروت و منابع تولیدی را از فعالیت‌های تولیدی خارج کند و به فعالیت‌های غیردولتی یعنی امور نظامی و دفاعی اختصاص دهد، لذا در این حالت توزیع نابرابر درآمد قابل پیش بینی خواهد بود. امام علی(ع) در این باره به مالک‌اشتر فرمود: «دوست‌داشتنی‌ترین چیزها در نزد تو، در حق میانه‌ترین، و در عدل فراگیرترین، و در جلب خشنودی مردم گسترده‌ترین باشد، که همانا خشم عمومی مردم، خشنودی خواص (نزدیکان) را از بین می‌برد، اما خشم خواص را خشنودی همگان بی‌اثر می‌کند. خواص جامعه، همواره بار سنگینی را بر حکومت تحمیل می‌کنند زیرا در روزگار سختی یاریشان کمتر، و در اجرای عدالت از همه ناراضی‌تر، در خواسته‌هایشان پافشارتر، در عطا و بخشش‌ها کم‌سپاس‌تر، به هنگام منع خواسته‌ها دیر عذر پذیرتر و در برابر مشکلات کم‌استقامت‌تر می‌باشند. در صورتی که ستون‌های استوار دین، و اجتماعات پرشور مسلمین، و نیروهای ذخیره دفاعی، عموم مردم می‌باشند، پس به آنها گرایش داشته و اشتیاق تو با آنان باشد» (نهج‌البلاغه، نامه‌ی ۵۳). از بیانات امام چنین برداشت می‌شود که حکومت باید بیشتر بر اکثریت و عموم مردم توجه داشته باشد تا تنها به اقلیتی از مردم (خواص) و در جایی دیگر امام(ع) در حکمت ۴۷۶ در راه و رسم کشورداری به زیادبن‌ایبه فرمود: «عدالت را بگستران، از ستمکاری پرهیز کن، که ستم رعیت را به آوارگی کشاند و بیدادگری به مبارزه و شمشیر می‌انجامد». از این‌رو برقراری عدالت به‌ویژه عدالت اقتصادی نیز به ثبات سیاسی در کشور نیز منجر می‌شود و به تعبیری دیگر می‌توان گفت رابطه دوسویه بین ثبات سیاسی و توزیع درآمد وجود دارد.

#### ۳-۴. اثربخشی دولت

اثربخشی دولت به توانایی دولت در قانون‌گذاری، داوری دادگاه‌ها، تصمیم‌های مدیریتی در ارتباط با حاکمیت قانون، عدالت مدیریتی و قضایی مانند پاسخگویی و شفافیت اشاره دارد. به علاوه، این شاخص کیفیت بوروکراسی و کیفیت خدمات عمومی را نشان می‌دهد. همچنین دولتی کارآمد است که بتواند از بروز تغییرات چشمگیر در سیاست‌ها پیشگیری کند و از فشارهای سیاسی تأثیر نپذیرد. بهبود شاخص اثر

بخشی دولت در فعالیتهای اقتصادی فضایی را در جامعه فراهم می‌کند که رشد صنعتی و اقتصادی در آن محقق می‌گردد. زیرا بهبود این شاخص در فضای بین‌المللی در جذب سرمایه‌گذاری خارجی، افزایش رقابت تولید و افزایش فرصت‌های شغلی و بهبود توزیع درآمد دارای نقش مهمی است.

لازم به ذکر است، زمانی حکومت و دولتی از کارایی و اثربخشی کافی برخوردارند که حاکمان و رهبران شایسته‌ای در رأس جامعه قرار داشته باشند. امام علی(ع) در خطبه‌ی ۱۳۱ در نهج‌البلاغه شرایط حاکم اسلامی را بشرح ذیل بیان می‌کند: «خدایا من نخستین کسی هستم که به تو روی آوردم و دعوت تو را شنیدم و اجابت کردی، در نماز، کسی از من جز رسول خدا(ص) پیشی نگرفت، همانا شما دانستید که سزاوار نیست بخیل بر ناموس و جان و غنیمت‌ها و احکام مسلمین، ولایت و رهبری یابد، امامت مسلمین را عهده‌دار شود، تا در اموال آنها حریص گردد، نادان نیز لیاقت رهبری ندارد تا با نادانی خود مسلمانان را به گمراهی کشاند، ستم‌کار نیز نمی‌تواند رهبر مردم باشد، که با ستم حق مردم را غصب و عطا‌های آنان را قطع کند و نه کسی که در تقسیم بیت‌المال عدالت ندارد؛ زیرا در اموال و ثروت آنان حیف و میل می‌کند و گروهی را بر گروهی مقدم می‌دارد، و رشوه‌خوار در قضاوت نمی‌تواند امام باشد، زیرا که برای داوری با رشوه گرفتن حقوق مردم را پایمال، و حق را به صاحبان آن نمی‌رساند، و آن کس که ست پیامبر(ص) را ضایع می‌کند لیاقت رهبری ندارد زیرا که امت اسلامی را به هلاکت می‌کشاند». لذا چنین حاکمیست (همانند امام علی(ع)) که می‌تواند عدالت اقتصادی را به‌منظور از بین بردن فقر و ایجاد توازن و تعادل نسبی در توزیع درآمد برقرار سازد.

#### ۴-۴. کیفیت قوانین و مقررات

یکی از مهم‌ترین کارهای نهادهای دولتی وضع قوانین و مقررات است که اگر دولت‌ها آگاهانه اقدام به اتخاذ سیاست‌ها کنند. زمینه‌ی ایجاد فضای مناسب برای افزایش فعالیت‌های اقتصادی، اشتغال، سرمایه‌گذاری، توزیع متعادل درآمد و توسعه اقتصادی قابل پیش‌بینی خواهد بود. امروزه نقش سیاست‌های صحیح و حذف قوانین و مقررات دست و پاگیر در افزایش اشتغال و درآمد بر کسی پوشیده نمی‌باشد. زیرا وجود قوانین و مقررات اضافی هزینه‌های فعالیت‌های اقتصادی از جمله پروژه‌های سرمایه‌گذاری را افزایش می‌دهد که همین امر باعث می‌گردد فعالین اقتصادی از سرمایه‌گذاری در فعالیت‌های اقتصادی کناره‌گیری کنند که این موضوع خود دلیلی برای بدتر شدن توزیع درآمد در کشورهاست. همچنین امام علی(ع) سیاست‌ها و قوانین نادرست را کلید فقر و سبب ویرانی می‌داند و مدعیان اصلاح سیاست‌ها که با ادعای اصلاح قوانین و مقررات خود و دیگران را هدف غایی دولت اسلامی اصلاح و تعالی افراد جامعه می‌داند. از این‌رو امام(ع) در این باره می‌فرماید: «خدایا تو می‌دانی که جنگ و درگیری ما برای به دست آوردن قدرت و حکومت و دنیا و ثروت نبود، بلکه می‌خواستیم نشانه‌های حق و دین تو را به جایگاه خویش بازگردانیم، و در سرزمین‌های تو اصلاح را ظاهر کنیم، تا بندگان ستم‌دیده‌ات در امن و امان زندگی کنند، و قوانین و مقررات فراموش شده تو بار دیگر اجراء گردد» (نهج‌البلاغه، خطبه‌ی ۱۳۱).

### ۵-۴. حاکمیت قانون

میزان تعهدات به قوانین و مقررات، وجود نظام قضایی قابل پیش‌بینی و منصف، احتمال موفقیت در شکایت علیه دولت از جمله مؤلفه‌های سنجش شاخص حاکمیت قانون هستند. به عبارت دیگر این شاخص بیانگر آنست که تا چه حد شهروندان و حاکمان به نهادهایی که با هدف وضع قوانین و مقررات و اجرای آنها و حل اختلافات ایجاد شده‌اند، احترام می‌گذارند. باید خاطر نشان ساخت، از اصول مورد تأکید امام علی(ع) در زمامداری اصل مساوات است که آن حضرت خود سخت بدان پایبند بودند و در اداره‌ی حکومت هیچ‌گونه امتیازی برای کسی حتی برای نزدیکان و خاندان خود قائل نبودند. پرهیز از هرگونه تبعیض و بی‌عدالتی در اندیشه و سیره امام(ع) از چنان اهمیتی برخوردار بود که اندکی دور شدن از آن امکان نداشت. البته بدیهی است که از یکسو منظور از برابری و عدم تبعیض، در تمامی زمینه‌ها و حقوق اعم از اجتماعی، سیاسی، فرهنگی و اقتصادی است و از سوی دیگر امام(ع) دوام و پایداری حکومت‌ها را در گرو محترم شمردن حقوق مردم توسط نظام حاکم می‌دانند. امام علی(ع) در بخشی از نامه‌ای که به فرماندار بصره می‌نویسد، می‌فرماید: «آیا به معاد ایمان نداری و از حسابرسی دقیق قیامت نمی‌ترسی ای کسی که در نزد ما از خردمندان بشمار می‌آمدی، چگونه نوشیدن و خوردن را بر خود گوارا کردی در حالی که می‌دانی حرام می‌خوری و حرام می‌نوشی چگونه با اموال یتیمان و مستمندان و مؤمنان و مجاهدان راه خدا، کنیزان می‌خری و با زنان ازدواج می‌کنی که خدا این اموال را به آنان واگذاشته، و این شهرها را به دست ایشان امن فرموده است. پس از خدا بترس، و اموال آنان را باز گردان، و اگر چنین نکنی و خدا مرا فرصت دهد تا بر تو دست یابم، تو را کیفر خواهم کرد، که نزد خدا عذرخواه من باشد و با شمشیری تو را می‌زنم که به هر کس زدم وارد دوزخ گردید...» (نهج‌البلاغه، نامه‌ی ۴۱). از این‌رو حاکم باید در اجرای عدالت از هیچ کوششی دریغ نکند و بر مبنای قانون به ادای حقوق مردم بپردازد و در این مورد تبعیض قائل نشود و همه را در برابر قانون یکسان تلقی نماید. علاوه بر این، این موضوع در سیره‌ی عملی امام علی(ع) با نزدیک کردن آهن گداخته به دست برادرش عقیل که از آن حضرت درخواست بیشتر از بیت‌المال را کرده بود به‌خوبی نمایان است. زیرا در صورت وجود تبعیض در میان افراد، رابطه‌ی مشخصی بین تلاش افراد و میزان درآمد و رفاه آنها وجود نخواهد داشت و از این‌رو گروهی با دسترسی به موقعیت‌های مناسب و بهره‌مندی از امتیازات انحصاری، بخش قابل توجهی از منابع را به خود اختصاص خواهند داد و بدین طریق، فاصله بین غنی و فقیر با شتاب روزافزونی بیشتر خواهد شد. اما وقتی عدالت اقتصادی برقرار باشد، عامل عمده تعیین‌کننده درآمد و رفاه، تلاش صادقانه و مجدانه افراد خواهد بود و موقعیت‌ها و فرصت‌های یکسان در اختیار همه قرار خواهد گرفت تا افراد برحسب میزان تلاش و پشتکار خود، درآمد و رفاه داشته باشند که همین موضوع به توازن در درآمد افراد کمک خواهد کرد.

## ۶-۴. کنترل فساد

فساد به معنی استفاده از قدرت عمومی در جهت تأمین منافع شخصی یا گروهی آثار زیانباری بر رشد اقتصادی دارد. در شرایطی که فساد در جامعه شایع شود افراد جامعه خصوصاً نیروهای انسانی با استعداد به جای استفاده از ابتکار و نوآوری خود، سعی می‌کنند از رهگذر پرداخت رشوه و تبانی با مقامات دولتی، اقدام به کسب یک رانت قانونی یا مجوز دولتی نمایند حال آن‌که این افراد به‌طور بالقوه می‌توانند ظرفیت جامعه را از لحاظ پیشرفت‌های فنی ارتقا دهند. علاوه بر این وجود فساد، جذابیت‌های اقتصادی را برای سرمایه‌گذاران داخلی و خارجی کاهش داده و بنگاه‌های دولتی را به سمت فعالیت‌های غیررسمی که عمدتاً با پرداخت کمتر مالیات به دولت همراه است، سوق می‌دهد. بنابراین، وجود فساد قادر است درآمدهای مالیاتی دولت‌ها را کاهش داده و از این طریق دولت‌ها را در اجرای وظایف خود که همانا ارائه خدمات زیربنایی و کالاهای عمومی مؤثر در فرآیند تولید است، ناتوان سازد (برادران، ۱۳۸۶: ۳۶۶). از اینرو فساد باعث کندی رشد اقتصادی می‌شود که این موضوع تأثیر نامطلوبی بر توزیع درآمد و فقر دارد. امام علی(ع) به شدت با فساد برخورد می‌کردند به‌عنوان نمونه، وقتی به امام(ع) خبر رسید که مستقله بن هبیره شیسانی فرماندار اردشیر خره (استان فارس و بخشی از خوزستان) قسمتی از بیت‌المال را بین اقوام خود تقسیم کرده است، حضرت فوراً نامه‌ی تندی برای او می‌نویسد: «گزارشی از تو به من دادند که اگر چنان کرده باشی، خدای خود را به خشم آورده‌ای، و امام خویش را نافرمانی کرده‌ای، خبر رسید که تو غنیمت مسلمانان را که نیزه‌ها و اسب‌هایشان گرد آورده و با ریخته‌شدن خون‌هایشان به‌دست آمده، به اعرابی که خویشاوندان تو، و تو را برگزیدند، می‌بخشی. به خدایی که دانه را شکافت، و پدیده‌ها را آفرید، اگر این گزارش درست باشد، در نزد من خوار شده و منزلت تو سبک گردیده است پس حق پروردگارت را سبک مشمار، و دنیای خود را با نابودی دین آباد نکن، که زیان‌کارترین انسانی. آگاه باش، حق مسلمانانی که نزد من یا پیش تو هستند در تقسیم بیت‌المال مساوی است، همه باید به نزد من آیند و سهم خود را از من گیرند» (نهج‌البلاغه، نامه‌ی ۴۳). در جایی دیگر امام(ع) می‌فرماید: «هرجا که فقر و تنگدستی روی آورد، بی‌تردید نابودی نیز حتمی خواهد بود و فقر زمانی در جامعه شیوع می‌یابد که حاکمان به فکر جمع کردن ثروت بوده و ترس از دست دادن پست‌های خود را داشته باشند». این در حالیست که امام در اجرای عدالت و برای استیفای حقوق مردم، چه در موارد اقتصادی مانند تقسیم بیت‌المال و چه در واگذاری مناصب حکومتی و نیز در برخورد با کارگزاران متخلف، با متخلفان با قاطعیت برخورد می‌کردند. آن حضرت اموال را به‌طور مساوی بین همه تقسیم می‌کردند و مناصب حکومتی را براساس لیاقت و نه خویشاوندی یا نزدیکی به افراد واگذار می‌نمودند و حضرت خود سعی می‌کردند با روش‌های مختلفی بر اعمال کارگزاران نظارت کنند. همچنین این موضوع را امام در نامه‌ی ۵۳ نهج‌البلاغه به مالک‌اشتر متذکر می‌شود که: «سپس رفتار کارگزاران را بررسی کن، و جاسوسانی راستگو و وفادار بر آنان بگمار، که مراقبت و بازرسی پنهانی تو از کار آنان، سبب امانت‌داری، و مهربانی با رعیت خواهد بود. از همکاران نزدیکت سخت مراقبت کن، اگر یکی از آنان دست به خیانت زد، گزارش جاسوسان تو هم آن خیانت را

تأیید کرد، به همین مقدار گواهی قناعت کرده او را با تازیانہ کیفر کن، و آن چه از اموال که در اختیار دارد از او باز پس گیر، سپس او را خوار دار، و خیانت کار بشمار، و طوق بدنامی به گردنش بیفکن».

### نتیجه گیری

در دنیای کنونی، تقریباً تمامی دولت‌مردان کشورها در تمامی سطوح توسعه به دنبال توزیع مطلوب درآمد و رفع فقر و در نهایت دستیابی به رفاه همگانی هستند، اما در این میان تنها تعداد معدودی از کشورها موفق بوده‌اند. از این رو این موضوع سبب شده ریشه‌های پدید آمدن آن از دیدگاه‌های گوناگون بررسی شود؛ لذا در مطالعه‌ی حاضر، با تأکید بر رفتارها و اندیشه‌های حکومتی امام علی(ع)، تأثیر حکمرانی بر توزیع درآمد بررسی شد. در این مطالعه سعی بر آن بود که شاخص توزیع درآمد و شاخص‌های شش‌گانه حکمرانی نیز از دید امام علی(ع) بررسی شود. چراکه دیدگاه‌های ارزشمند و جامع امام علی(ع) در تمامی زمینه‌ها جهان شمول بوده و ترسیم‌کننده‌ی الگویی جامع برای کشورهای اسلامی در زمینه‌ی حکومت است. با تعمق در سیره‌ی عملی و نظری امام علی(ع) می‌توان به نقش حاکمان و زمامداران به عنوان مهم‌ترین عامل رشد و توسعه همه جانبه در یک جامعه پی برد. از منظر ایشان حکومت زمانی می‌تواند جامعه را به سمت کمال پیش ببرد که عدالت را سرلوحه کار خود قرار دهد. البته لازم به ذکر است، یکی از ابعاد عدالت، عدالت اقتصادیست که امروزه عدالت اقتصادی با مفاهیمی همچون توزیع درآمد، تأمین رفاه نسبی و رفع فقر در جامعه اسلامی گره خورده است، زیرا توزیع درآمد مهم‌ترین راه تأمین و مراعات حقوق اقتصادی است. همچنین از سخنان گوهر بار امام علی(ع) می‌توان دریافت وجود توزیع نابرابر درآمد و فقر مالی در جامعه اسلامی امری ناپسند است و وجود اختلافات طبقاتی میان فقیر و غنی، مانع تحقق رفاه عمومی خواهد شد. از این رو تأمین نیازهای اساسی مردم و رفع توزیع نامطلوب درآمد و تأمین رفاه نسبی برای عموم مردم از وظایف حاکمان است که تمامی این موارد در گرو وجود شرایط حکمرانی مطلوب در جامعه است لذا انتظار بر آن است از یک سو که کشورها به‌ویژه کشورهای اسلامی با بهره‌گیری از اندیشه‌های جهان شمول امام علی(ع)، شاخص‌های شش‌گانه حکمرانی خود و در نتیجه آن نیز، توزیع درآمد را نیز بهبود بخشند.

## منابع

- برادران شرکاء، حمیدرضا (۱۳۸۶)، حکمرانی خوب: کلید توسعه آسیای جنوب غربی، سایت مرکز تحقیقات استراتژیک، قابل دسترسی در سایت: [www.csr.ir](http://www.csr.ir)
- تودارو، مایکل (۱۳۷۸)، *توسعه اقتصادی در جهان سوم*، مترجم غلامعلی فرجادی، مؤسسه عالی پژوهش در برنامه‌ریزی و توسعه، تهران.
- دشتی، محمد (۱۳۷۹)، *ترجمه نهج البلاغه*، چاپ هفتم، نشر مشرق، قم.
- حسینی، سیده‌مریم و نجفی، سیدعباس (۱۳۸۸)، توزیع درآمد در مناطق روستایی و شهری ایران، مجله‌ی تحقیقات اقتصاد کشاورزی، جلد ۱، شماره ۳.
- میدری، احمد و خیرخواهان، جعفر (۱۳۸۳)، *حکمرانی خوب بنیان توسعه*، چاپ اول، ناشر مرکز پژوهش‌های مجلس شورای اسلامی، تهران.
- Angeles, L. (2010), "Institutions and Economic Development: Panel Evidence", Available At: [http://www.gla.ac.uk/media/media\\_140584\\_en.pdf](http://www.gla.ac.uk/media/media_140584_en.pdf).
- Chong, A and M, Gradstein (2004), "Inequality and Institution," Research Department Inter- American Development Bank: New York, Working paper, No. 506, Available At: <http://www.bvsde.paho.org/bvsadi/fulltext/inequality.pdf>.
- Breen, R and C, Garcia-Penalosa (1999), "Income Inequality and Macroeconomic Volatility: an Empirical Investigation," Economics Papers from Economics Group, Nuffield College, University of Oxford, Available At: [www.nuffield.ox.ac.uk/economics/.../VI3.pdf](http://www.nuffield.ox.ac.uk/economics/.../VI3.pdf).
- Shen, Y and Y, Yao (2008), "Does Grassroots Democracy Reduce Income Inequality in China?" *Journal of Public Economics*, No. 92, PP. 2182-2198.
- Shafique, S and R, Haq (2006), "Governance and Income Inequality," *The Pakistan Development Review*, PP. 751-760, Available At: [http://econpapers.repec.org/article/pidjournal/v\\_3a45\\_3ay\\_3a2006\\_3ai\\_3a4\\_3ap\\_3a751-760.htm](http://econpapers.repec.org/article/pidjournal/v_3a45_3ay_3a2006_3ai_3a4_3ap_3a751-760.htm).
- Veradi. V (2005), "Electoral Systems and Income Inequality," *Economics Letter*, No. 86, PP. 7-12.